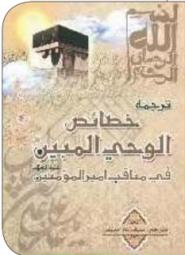


«**خصائص الوحي المبين في مناقب اميرالمؤمنين**»

اثری از ابن بطریق محدث



یحیی بن حسن بن محمد بن بطریق اسدی مشهور به ابن بطریق محدث، فقیه، ادیب و متکلم امامی بود که در سال ۵۲۳ق در حله چشم به جهان گشود. استادان او ابن شهر آشوب، عمادالدین طبری، سدیدالدین محمود بن علی حفصی رازی و ابوجعفر اقبال بودند که ابن بطریق از آنان روایت نقل کرده است. او توانست شاگردان زنده‌ای را تربیت کند و تقدیم عالم اسلام نماید.

این محدث توانا موفق شد تا در طول حیات گرانمایه خود آثار فخری را به‌خصوص در موضوع حدیث و مناقب اهل بیت خلق نماید که العمده، المستدرک المختار فی مناقب وصی المختار و انفاق صحاح الائمة الاثنی عشر نمونه‌هایی از آن‌هاست. ابن بطریق در سال ۶۰۰ق در حله جان به جان آفرین تسلیم کرد.

«**خصائص الوحي المبين في مناقب اميرالمؤمنين**»

از کتب مشهور ابن‌بطریق، کتاب خصائص الوحي المبين فی مناقب اميرالمؤمنين علیه السلام است که با استفاده از منابع مورد اعتماد اهل سنت در موضوع مناقب امام علی علیه السلام گردآوری شده است. نگارش این کتاب از سوی ابن بطریق نقطه عطفی برای تألیف کتاب در موضوع مناقب اهل بیت با استفاده از منابع عامه بوده و دانشمندان در این زمینه آثار متعدد و مؤثری را پس از ایشان به عالم اسلام عرضه کرده‌اند.

مؤلف محترم پیش از خصائص الوحي، دو کتاب عمده العيون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار و المستدرک المختار فی مناقب وصی المختار را در خصوص مناقب امام اميرالمؤمنين علیه السلام نگاشته بود.

انتکیزه نگارش

نویسنده خود در مقدمه کتابش می‌نویسد: «پس از نگارش کتاب «العمده» و پذیرش آن از سوی بزرگان، در این فکر افتادم که کتابی جداگانه از وحی الهی در باب مناقب اميرالمؤمنين علیه السلام بنویسم که مطابق با احادیث صحیح رسول خدا صلی الله علیه و آله هم باشد. من این کتاب را خصائص الوحي المبين فی مناقب اميرالمؤمنين نامیدم.

ساختار و محتوا

این کتاب، شامل یک مقدمه و ۲۵ فصل است که حدود دویست روایت در آن ذکر شد. فصل اول کتاب، با بیان آیه شریفه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» آغاز می‌شود و فصل آخر آن با تفسیر آیه: «هَذَا خِصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَيْبٍ» به انجام می‌رسد.

چنان‌چه گفته آمد مؤلف در نگارش فضائل الوحي فقط از منابع مورد اعتماد اهل سنت استفاده کرده که خود در مقدمه کتابش دلیل این سیره را چنین مرقوم می‌دارد: «بر آن شدم که در این کتاب فقط روایاتی را بیاورم که از طریق اهل سنت نقل شده؛ به دلیل این‌که روایات منقول از طریق خود اهل سنت، در دلالت بر مقصود واضح‌تر است؛ زیرا این احادیث را خود آن‌ها نقل کرده‌اند و مورد قبول همه فرقه‌های اهل سنت است و برای مخالف، جز پذیرش آن راه گریزی نیست»

مؤلف در ابتدای کتاب، اسناد و طرق خود در نقل روایات را بیان می‌دارد. او تنها به نقل روایات بسنده نکرده، بلکه در صورت نیاز، در پایان هر فصل به توضیح و تفسیر آیات و روایت می‌پردازد. این توضیحات با عناوین «قال یحیی بن الحسن المصنف» یا «قال یحیی بن الحسن» از اخبار متمایز می‌شود. از جمله مطالب مؤلف، اشعار سروده شده از خود اوست.

منابع کتاب

برخی از منابع مورد استفاده مؤلف عبارت از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، الجمع بین الصحیحین حمیدی، مسند احمد بن حنبل، تفسیر تعالیمی موسوم به الکشف والبیان، مناقب الفقیه.

ترجمه خصائص

آقای سیف‌الله حبیبی، کتاب خصائص الوحي را بر اساس تصحیح علامه محمودی، ترجمه و با نام «ترجمه خصائص الوحي المبين فی مناقب اميرالمؤمنين» عرضه کرده است.

چاپ و نشر

کتاب حاضر در سال ۱۳۱۱ قمری به همراه کتاب «نورالهدایة» در تهران چاپ سنگی شده است. هم‌چنین در سال ۱۳۶۴ش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران این کتاب را در یک جلد به چاپ رسانده که به تحقیقات علامه شیخ محمدباقر محمودی مزین گردیده است.

تهیه و تنظیم: علی‌اکبر بخشی

توقیعات

«توقیع» در لغت به معنای «نامه را نشان کردن»، «نوشتن عبارتی در ذیل نامه و نوشته» است. هم‌چنین «پاسخ‌های مکتوب بزرگان و دولتمردان به پیرسش‌ها و درخواست‌های کتبی که از ایشان می‌شود.»^(۱)

از بررسی نوشته‌های تاریخی به‌دست می‌آید، از زمان‌های دور بین حاکمان و فرمانروایان، «توقیع‌نویسی» رواج داشته و موارد فراوانی از توقیعات آن‌ها در متن‌های تاریخی ثبت و ضبط شده است. افزون بر موارد پیشین، در منابع روایی، فقهی و تاریخی شیعه نیز سخن از توقیع به چشم می‌خورد. توقیع در این کتاب‌ها به‌طور عمده، به قسمتی از نوشته‌های پیشوایان دینی علیهم‌السلام اطلاق شده است که برای پیروان خود مرقوم فرموده‌اند.

امروزه به سبب کاربرد بیشتر توقیعات در منابع مهدویت، هنگامی که سخن از «توقیع» به میان می‌آید، ذهن به توقیعات واپسین پیشوای معصوم، حضرت مهدی علیه‌السلام منصرف می‌شود؛ اما از امامان علیهم‌السلام دیگر نیز نوشته‌هایی با عنوان «توقیع» صادر شده است.^(۲)

چگونگی صدور توقیعات

درباره چگونگی صدور توقیعات از سوی حضرت مهدی علیه‌السلام، به‌طور دقیق آگاهی روشنی در دست نیست؛ اما بدون شک، بسیاری از این توقیعات، به‌گونه‌ای معجزه‌آسا صادر شده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: صدور آن‌ها به نحو عادی و از شخص معمولی صورت نگرفته است.

برای نمونه، می‌توان به حکایتی که در این‌باره رسیده است اشاره کرد.

«محمد بن فضل موصلی» یکی از شیعیان بود که نیابت «حسین بن روح» را قبول نداشت. روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش (حسن بن علی وجنا) و بنا به پیشنهاد او، در صدد آزمودن نایب امام برآمدند. آنان بر مطلبی کاملاً محرمانه توافق کردند. حسن بن علی وجنا کاغذی از دفتر موصلی جدا کرد و قلمی تراشید. سپس با قلم بدون مرکب، مطالبی را بر روی آن ورقه نوشت و آن کاغذ سفید را مهر کرد و به‌وسیله خدمتکار نزد حسین بن روح فرستاد.

ظهر همان روز در حالی‌که محمد بن فضل مشغول غذا خوردن بود، پاسخ نامه وارد آمد که دقیقاً در همان ورقه فرستاده شده، پاسخ‌ها با مرکب نوشته شده بود. محمد بن فضل، در حالی‌که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بود، همراه حسن بن وجنا به محضر حسین بن روح وارد شد و از آن حضرت به سبب گمان نادرست خود معذروا خواهی کرد.^(۳)

افزون بر کرامت‌های حضرت مهدی علیه‌السلام در صدور توقیعات که به یک نمونه آن اشاره شد، در متن توقیعات نیز، موارد فراوانی از کرامت به چشم می‌خورد که بیشتر به‌صورت آگاهی‌بخشی غیبی، از حوادث آینده، اتفاقات پنهانی، شفای بیماران و مانند آن می‌باشد.

یک نمونه از این توقیعات، آن‌گاه صادر شد که درباره وکلا و نمایندگان حضرت، نزد خلیفه غاصب وقت، بدگویی شده بود. خلیفه، برای شناسایی و دستگیری آنان، دستور داد افراد ناشناسی را همراه پول نزد وکلا به جاسوسی بفرستند. اگر کسی از آن‌ها چیزی پذیرفت، او را دستگیر کنند.

حضرت مهدی علیه‌السلام در توقیعی خطاب به تمام وکیل‌ها، دستوری فرمود از هیچ کس و تحت هیچ شرایطی چیزی نپذیرند و خود را بی‌اطلاع نشان دهند.^(۴)

در ماجرای دیگری حضرت مهدی علیه‌السلام، با صدور توقیعی، شیعیان را از زیارت کربلا و کاظمین برحذر داشت. پس از چند ماه، دانسته شد خلیفه در آن موقع، دستور داده بود هر کس به زیارت رود، در کمینش باشند و او را دستگیر کنند.^(۵)

■ **بیشتر توقیعات به خط حضرت مهدی علیه‌السلام درباره این‌که آیا توقیعات به خط مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام بوده باید گفت: عده‌ای از افرادی که توقیع‌ها را روایت و نقل نموده‌اند، تصریح کرده‌اند برخی از این نوشته‌ها به خط شریف آن حضرت**



به مناسبت ششم شوال، صدور نخستین توقیع مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام

چگونگی و چرایی صدور توقیعات

در عصر غیبت صغری

نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین خدامراد سلیمیان

در طول غیبت صغری یعنی در مدت ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز مکاتبات زیادی از سوی سفرا و نواب چهارگانه با امام عصر، حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه‌السلام انجام گرفت. برخی از این توقیعات به شخص آنان مربوط بود و برخی هم به دیگر افراد که اینان واسطه ارسال و گرفتن پاسخ بودند. ششم شوال به مناسبت صدور نخستین توقیع مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام به نایب ایرانی‌اش حسین بن روح نوبختی می‌باشد. هفت‌نامه افق حوزه پژوهشی از چگونگی و چرایی صدور توقیعات در عصر غیبت صغری را تقدیم خوانندگان ارجمند می‌کند.

خود و دیگران را نزد نایب امام می‌فرستادند و از ایشان پاسخ دریافت می‌کردند. به‌طور اساسی، فلسفه نیابت خاص نیز همین است؛ وگرنه چنان‌چه هر کس می‌توانست به شرف گرفتن توقیع نایل آید، دیگر نیازی به نایب خاص نبود.

یادآوری این نکته لازم است که بیشتر دانشمندان دینی برای باورند که توقیعات صادر شده از ناحیه صاحب‌الامر علیه‌السلام فقط در دوران غیبت صغری و نیابت نواب خاص بوده است و بدین سان نمی‌توان به آن دسته از توقیعات صادر شده پس از این دوران چندان اعتماد کرد و به صدور آن‌ها از طرف حضرت مهدی علیه‌السلام اطمینان یافت.

برخی از این نوشته‌ها که پس از دوران غیبت صغری به آن حضرت نسبت داده شده، از این قرار است: ۱. نامه‌هایی که گفته شده از طرف حضرت مهدی علیه‌السلام به شیخ مفید رسیده است. این توقیعات برای نخستین بار، به‌وسیله ابومنصور طبرسی (از عالمان قرن ششم)، بدون سند، افزون بر یک صد سال پس از وفات شیخ مفید، در کتاب احتجاج نقل شده است. آن‌گاه شاگرد وی، ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ق)، به آن اشاره کرده و ابن بطریق (متوفای ۶۰۰ ق) شاگرد ابن شهر آشوب آن‌ها را مطرح کرده است. در آن کتاب گفته شده: این نامه‌ها به‌وسیله شخص مورد اعتمادی به شیخ مفید می‌رسید؛ ولی نام آن شخص ذکر نشده است.^(۱)

آن‌چه این تردید را جدی‌تر می‌کند این است که شاگردان شیخ مفید، از جمله آن‌ها: سیدمرتضی، ابن‌ادریس، نجاشی، شیخ طوسی، ابویعلی جعفری، ابوالفتح کراجکی، سلار بن عبدالعزیز دیلمی و... با

است. در ذیل، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: ۱. شیخ طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است: «در پاسخ نوشته آنان، به خط امام زمان علیه‌السلام وارد شده است که: به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد!...»^(۲)

۲. شیخ صدوق؛ نقل کرده است، محمد بن عثمان عمری می‌گوید: «خَرَجْتُ تَوَقِّعَ بِحَيْثُ لَمْ نَعْرِفْهُ...» توقیعی به خطی که ما آن را می‌شناختیم، خارج شد...»^(۳) ۳. وی هم‌چنین نقل کرده است: اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری خواش کردم پاسخ نامه‌ای را که در آن از مسایلی مشکلی پرسش کرده بودم، به من برساند. پس در توقیع به خط مولایمان صاحب‌الزمان علیه‌السلام وارد شده بود: «اما آن‌چه درباره آن پرسیدی. که خدایت هدایت کند و پایدارت بدارد! راجع به امر منکران من از خاندان و عموزادگان خودم؛ بدان که میان خدا و کسی خویشاوندی نیست و هر کس مرا منکر باشد، از من نیست و راه او راه فرزند نوح علیه‌السلام است اما راه عمومیم جعفر و فرزندانش، راه برادران یوسف است...»^(۴)

عبارت‌های یادشده بیانگر این مطلب است که بزرگان محدث، اطمینان داشته‌اند همه توقیعات یا بیشتر آن‌ها، به خط خود حضرت نگاشته شده است. این توقیعات، به‌وسیله نواب خاص در دوران غیبت صغری، برای افراد صادر می‌شد و ارتباط نوشتاری با حضرت، فقط از راه آنان امکان‌پذیر بود؛ به‌صورتی که حتی وکیل‌های آن حضرت، نامه‌های

این‌که تألیفات فراوانی داشته و بیشتر شرح حال نگار بوده‌اند. هرگز به این توقیعات اشاره نکرده‌اند (۱۶)؛ در حالی‌که اگر چنین سخنانی به شیخ مفید رسیده بود، با توجه به اهمیت شایان آن، به‌طور حتم، شاگردان او، نقل می‌کردند.^(۱۷)

افزون بر آن، خود شیخ مفید نیز در آثار ارزشمند و فراوان خود، هیچ اشاره‌ای به این نامه‌ها نکرده است. جای تأمل است که چگونه برخی بر توقیع بودن این سخنان پافشاری می‌کنند.^(۱۸)

علامه بحرالعلوم طباطبایی نیز در کتاب رجالی خود و آقای خوبی در معجم رجال‌الحدیث، در این توقیعات، تردید کرده‌اند. پیش‌بینی این توقیعات از حوادث آینده دلیل بر درستی آن نخواهد بود؛ زیرا آن‌چه به‌دست ما رسیده است پس از حوادث بوده که امکان جعل آن‌ها وجود دارد.

۲. برخی نویسندگان، پیامی را که برای مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی به‌وسیله مرحوم شیخ محمد کوفی شوشتری نقل شده است، در شمار توقیعات و سخنان حضرت مهدی علیه‌السلام ذکر کرده‌اند.

در این نامه چنین آمده است: «خودت را در اختیار [مردم] بگذار و محل نشستن خویش را در محل در ورود خانه قرار بده [تا مردم سریع‌تر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوائج مردم را برآور؛ ما تو را یاری می‌کنیم.»^(۱۹)

در پایان بخش توقیعات و با این توضیحات، نیازی به این نیست که بگوییم برخی نوشته‌هایی که این روزها به‌عنوان دست خط آن حضرت ارائه می‌شود هیچ پایه و اساسی ندارد. و این احتمال بعید نمی‌نماید که ممکن است این کارها، از طرف دشمنان و برای مخدوش ساختن چهره تانباک شیعه انجام شده باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، درباره چگونگی صدور توقیعات در عصر غیبت صغری، سخن روشنی در دست نیست؛ اما از برخی نقل‌ها استفاده می‌شود، سفیران حضرت مهدی علیه‌السلام پرسش‌ها و درخواست‌های مراجعه‌کنندگان را در یک برگه که نوبت می‌نوشتند، آن‌گاه پاسخ آن‌ها که حداکثر ظرف سه روز صادر می‌شد، یک‌جا می‌آمد. گاهی نیز پاسخ پرسش‌ها به‌صورت شفاهی، به نواب خاص گفته شده و آنان به قلم خود، آن را می‌نگاشتند یا به‌صورت حضوری به پرسش‌کننده پاسخ می‌دادند.

در باره‌ای از موارد نیز، به سبب مصلحتی که حضرت می‌دانستند. اصلاً پاسخی صادر نمی‌شد. برخی از توقیعات نیز به‌صورت ابتدایی و بدون این‌که در پاسخ به پرسشی باشد، صادر شده است.

موضوعات مندرج در توقیعات، گستره وسیعی را در بر می‌گیرد؛ از معارف و حقایق دینی گرفته تا امور تربیتی و برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی و...
.....

پی‌نوشت

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۵، ص ۷۱۴۵.
۲. ربی، کشف‌الغمة فی معرفة الائمة علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۲۶، کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ج ۲.
۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۵، ج ۲، ص ۲۶۴.
۴. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ج ۳.
۵. همان، ج ۳، ص ۲۸۵.
۶. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۱۶۰، ج ۳.
۷. همان، ج ۳.
۸. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ص ۴۹۷.
۹. ر.ک: گروهی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه‌السلام، ص ۹۸.
۱۰. مقاله: سفارت و نیابت خاصه، نجم‌الدین طیبی، فصلنامه انتظار، ص ۱۸، ص ۱۵۲.
۱۱. یادآوری این مطلب ضروری است که اثبات نامه حضرت برای شیخ مفید، فضل بزرگی برای شیخ محسوب می‌شود؛ اما نفی آن، هرگز چیزی از مقام رفیع و بلند آن شخصیت بزرگ اسلامی نمی‌کاهد. چه این‌که دانشمندان بسیار بزرگی از میان علمای شیعه هستند که هرگز رسیدن نامه از سوی حضرت مهدی علیه‌السلام بر آن‌ها ادعا نشده است.
۱۲. ر.ک: خادمی حسینی، محمد، مجموعه فرمایشات حضرت بقیة‌الله علیه‌السلام، ص ۱۷۰.

منبع: درستانه مهدویت ۲ - ص ۹۴ تا ص ۱۰۰

افتتاح پایگاه مقاومت بسیج شهدای روحانی در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

امروز این تفکر جهانی شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رستم‌نژاد با بیان این‌که روحانیون همیشه پیشنهاد جهاد و شهادت هستند، افزود: هدف از ایجاد پایگاه مقاومت بسیج شهدای روحانی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، یک نوع سازماندهی است.

■ **حفظ روحیه انقلابی و استکبارستیزی تقویت بسیج در حوزه‌های علمیه است**

حجت‌الاسلام والمسلمین ملکدار نیز در مراسم افتتاح پایگاه مقاومت بسیج شهدای روحانی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، روحیه حماسی، انقلابی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی را از جمله عوامل اثرگذار در موفقیت رسالت روحانیت برشمرد و تصریح کرد: امروز هم این روحیه در حوزه‌های علمیه وجود دارد. وقتی ملت از امام راحل علیه‌السلام آن صلابت، مقاومت و ایستادگی را دیدند و شنیدند که در کمال ناباوری خیلی‌ها، فریاد زد «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، جذب ایشان شدند.

مسئول مرکز امور طلاب و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه تصریح کرد: امروز اگر بخواهیم بایستیم و مردمی باقی بمانیم، باید این عامل یعنی روحیه انقلابی و استکبارستیزی را داشته باشیم و دلیل تأکید رهبری معظم بر تقویت روحیه انقلابی، به همین علت است.



درسی حوزه علمیه اثر و قلم دو عالم و مجتهدی است که قفاحت خود را با خون خود امضا کردند، افزود: در زمان انقلاب اسلامی و بعد از آن نیز روحانیت با روحیه بسیجی که داشت پیشگام بوده و شهدای بسیاری را به اسلام و انقلاب تقدیم کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین طیبی فریز در این مراسم گفت: امروز در مقابل حرکت‌های مستکبرانه چه به‌صورت کارگردانی، چه به‌صورت هنرپیشگی و سیاه‌لشگری و روبرو هستیم، روحیه بسیجی می‌تواند در برابر آن‌ها مقابله کند و موفقیت بسیج مشروط بر این است که ولایت‌پذیری در افکار و رفتار کسانی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، تجلی یابد.